

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
 مدیرمسئول: مهدی شفیع‌ی
 سردبیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۳/۰۱ | اذان مغرب ۲۳/۲۰ | نیمه شب شرعی ۰۵/۱۱ | اذان صبح فردا ۴/۲۰ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۹

پیامبراکرم (ص): فرزند آدم؛ وقتی تن تو سالم و خاطرت آسوده است و قوت یک روز خویش را داری، جهان نگر مباش.

سخن روز

کنز العمال، ج ۳، ص ۷۸۲، ح ۸۷۴۰

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
 نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
 ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
 پیکبک: ۴۵۱۲۱۳
 ۰۴۵۱۲۱۳
 روابط عمومی : نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
 صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
 /
 امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
 چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
 چاپخانه جام چم پرتز برنا
 سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
 دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
 تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ /
 پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
 انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
 http://irannewsaper.ir

نگاره

پریسا نور اللهی



#فلسطین

فلسطین روز اخونه‌هاشون بیرون می‌کنند و توار غزه می‌افتد همه جهان را به واکنش واداشته است. شبکه‌های اجتماعی پر از پست‌ها و عکس‌هایی است که سلبریتی‌ها و چهره‌ها و سایر کاربران درباره فلسطین و نوار غزه منتشر می‌کنند. کاربران ایرانی هم این روزها از فعال‌ترین گروه‌هایی هستند که در شبکه‌های اجتماعی به جنایات اسرائیل در غزه واکنش نشان می‌دهند: «شرم بر ظلمی که به فلسطین می‌رود، بر تارک تاریخ خواهد ماند»، «برای اونهاپی که غزه رو جنگ طلب می‌دونن؛ در غزه: ۵۶ درصد مردم در فقرن، ۸۰ درصد متکی به کمک بین‌المللی‌ان، ۶۴ درصد جوانان بیگاران، ۹۷ درصد آب قابل شرب ندارن، ۱۰۰ درصد



مردم در محاصره کامل اسرائیل و بمباران و جنگ هستن و مهم‌تر از همه، وطن‌شون تحت اشغاله و همه مصیبت‌ها از همینجاست! شما بودید چه می‌کردین؟!»، «کودکان فلسطینی هزینه جنایاتی را می‌دهند که آلمانی‌ها علیه یهودیان اروپا مرتکب شدند»، «باگ بزرگ تاریخ اسرائیل فقط اونجایی که هولوکاست رو به آلمانی‌های نازی ربط میدن ولی انقناش رو از مردم فلسطین میگیرن»، «۷۵ سال است که مردم فلسطین درگیر ویروسی شده‌اند که وارد کشورشان شده و انسان‌های بی‌گناه زیادی را به کام مرگ کشانده است...»، «از فلسطین حمایت می‌کنیم چون آدم هستیم»، «مردم

واکسن بدون نوبت

در کنار خبرها و عکس‌هایی که هر روز از واکسیناسیون **ماجر ا** عمومی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، کاربران به کسانی اشاره می‌کنند که مدعی هستند خارج از نوبت و بدون داشتن بیماری زمینه‌ای و دارا بودن شرایط سنی واکسن زده‌اند. این افراد معمولاً عکس‌ها و استوری‌هایی درباره واکسن زدن منتشر می‌کنند و کاربران با ناراحتی و خشم درباره آنها می‌نویسند: «خانم مشاور املاک ماسک نداشت. فکر کردم لابد تو باغ نیست. بعد که با غرور گفت من واکسن زدم، فهمیدم اون‌کی که تو باغ نیست منم»، «وقتی مادر ۷۷ ساله من هنوز واکسن نزده، دختر ۳۵ ساله سالم بدون بیماری حسابدار شرکت خصوصی چطور واکسن زده؟»، «خبرها داره یکی یکی از واکسن زدن خارج از نوبت بعضی از دوستان میاد»، «چه جوریه که همسن‌های من بدون هیچ بیماری و مشکلی دارن واکسن می‌زنن؟ بعد هنوز کلی آدم با سن‌های بالا و بیماری

با نگاه به آینده امروز را ببینیم

محمد رحمانیان: در حال حاضر مشغول نوشتن «در سال بیستم کرونا ما هنوز امیدوار بودیم...» هستم. موضوع اینجاست که وقتی از نگاه آیندگان، زمان حال خود را می‌بینیم، زاویه دیدمان بهتر، واقع‌بینانه‌تر و بی‌عقده‌تر می‌شود. مثل شخصیت‌های نمایش‌نامه‌های **خجوف** که کنجکاو هستند بدانند مردمان ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال بعد درباره آنان چگونه فکر می‌کنند، من هم دوست داشتم به این فکر کنم که مردان ۲۰ سال بعد درباره ما و زندگی ما در عصر کرونا چگونه دوری می‌کنند. درباره این روزها هم می‌توانم بگویم که سال گذشته گروه ما و گروه امیررضا کوهستانی دو نمایش را در فضای باز اجرا کردیم و هر یک مخاطبان خود را هم داشتیم. یعنی اگر شرایط برای اجرا در فضای باز فراهم باشد، تماشاگران برای تماشای آثار مورد علاقه خود به تالارهای نمایش می‌آیند. می‌شد مکان‌هایی برای ضبط تئاتر در نظر گرفت و از طریق رایزنی باشکبه نمایش خانگی، کارهای ضبط شده را به تماشاگران ارائه داد. نتیجه اینکه حتی اگر فقط درصد کوچکی از گروه محدود تماشاگران تئاتر از این آثار استقبال می‌کردند، باز هم هزینه‌های تولید نمایش در این بستر تأمین می‌شد.

بخشی از گفت‌وگوی این کارگردان تئاتر با خبرنگار ایستا

در گذشت آیت‌الله علی‌ش‌یخ الاسلامی، چهره ماندگار زبان و ادب فارسی در سن هشتادوپنج‌سالگی

وداع با زندگی همزمان با عید فطر

همزمان با فرارسیدن عید فطر، دکتر علی‌ش‌یخ الاسلامی، استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر ادبیات در سن ۸۵ سالگی و بعد از تحمل چند هفته بیماری با زندگی وداع گفت. این چهره ماندگار ادب فارسی که افزون بر حوزه ادبیات به‌عنوان مفسر قرآن کریم هم فعالیت داشت حدود یک دهه ریاست دانشگاه تربیت‌معلم، بیش از پانزده سال ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و همچنین ریاست دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی را بر عهده داشته و خود در کسوت استاد نیز سال‌ها به تدریس دانشجویان و علاقه‌مندان مشغول بوده است. آن‌طور که در زندگینامه وی آمده، شیخ الاسلامی از نسل سوم استادان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شمار می‌آید و از محضر بزرگانی همچون بدیع‌الزمان فروزانفر و جلال‌الدین همایی بهره گرفته است. البته دوست و شاگرد دیگر چهره‌های شاخص آن دوره همچون سید جعفر شهیدی و عبدالحسین زرین‌کوب هم بوده است. این استاد و پژوهشگر ادبیات و عرفان سال ۱۳۱۵ در استهبان استان فارس متولد شد، وی همزمان با تحصیلات دوره مدرسه و همچنین دانشگاهی، دوره‌های حوزوی را هم سپری می‌کند. او بعد از فارغ‌التحصیلی با درجه ممتاز رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز،

پیش از شروع دوره دکترا در امتحان دانشسرای تربیت دبیر شرکت کرده و مدتی هم به تدریس در شهر فسا می‌پردازد. او اواخر دهه چهل موفق به دفاع از رساله دکتراي خود شده

و از سال ۱۳۵۰ هم به تدریس در همان دانشگاه مشغول شد و البته به‌مرور ریاست دانشگاه‌هایی را در سطرهاي ابتدایی اشاره‌شده بر عهده گرفت. شیخ‌الاسلامی علاوه بر مقالات متعدد به زبان‌های فارسی و عربی، کتاب‌هایی را در زمینه‌های اعتقادی، عرفان، مسائل کلامی و ادبی تألیف یا ترجمه کرده که از جمله آنها می‌توان به ترجمه «زندگی‌نامه خدیجه و فاطمه زهرا(س)»، «تألیف هاشم الحسینی، تألیف «برگزیده متون ادب فارسی دانشگاه»، «راه و رسم منزل‌ها» و «خیال، مثال و جمال در عرفان اسلامی» اشاره کرد، از مقاله‌های او هم می‌توان به انسان کامل در فصوص و مثنوی، مقدمه‌ای بر شرح بوستان سعدی و تاریخچه دانشکده ادبیات اشاره کرد. شیخ‌الاسلامی بیش از همه به‌عنوان حافظ‌شناس و محی‌الدین عربی‌شناس شناخته می‌شود. به‌دنبال درگذشت این چهره ماندگار فرهنگ و ادب، چهره‌های ادبی و سیاسی مختلفی با پیام‌های خود از خدمات ادبی، دینی و دانشگاهی وی گفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به جواد ظریف، سید حسن خبینی و همچنین وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی و علوم، تحقیقات و فناوری اشاره کرد. البته دانشگاه علامه طباطبایی و مؤسسه خانه کتاب هم به‌طور جداگانه درگذشت او را به اهالی فرهنگ و ادبیات و همچنین جامعه دانشگاهی تسلیت گفته‌اند.

تجربه‌هایی ناب در محضر آموزگاری عاشق

سال‌ها پیش، شاید نزدیک به سه دهه قبل وقتی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد بودم افتخار شاگردی دکتر علی‌ش‌یخ الاسلامی در دانشگاه تهران نصیبم شد. هنوز آن دو واحدی که با استاد گذراندم به یادم مانده، کلاسی بسیار پرشور و متفاوت برای من و دیگر دانشجویان بود. استاد شرح فصوص ابن عربی، نوشته جامی را در آن کلاس به ما تدریس می‌کرد، تسلط فوق‌العاده‌ای به زبان عربی داشتند، البته علاقه بسیار و مطالعه ایشان در زمینه عرفان هم سبب بهره‌مندی هر چه بیشتر ما از این کلاس دو واحدی شده بود. اما نکته‌ای که هنوز بعد از گذشت سال‌ها از آن روزها به خاطرم مانده، حتی فراتر

از فرصت بهره‌مندی‌مان از فضائل علمی زنده‌یاد شیخ‌الاسلامی است. هنگام تدریس و بویژه وقتی بحث مسائل عرفانی می‌شد گویی که خود او در حال تجربه مکاشفه‌ای عرفانی است و از همین رو هم کلاس پرخوردار از معنویت خاصی بود. به اتکای این عشق و دانش بسیار، اغراق نیست اگر وی را از استادان درجه‌یک دانشگاهی بدانم. علاقه زنده‌یاد شیخ‌الاسلامی به ادبیات و عرفان و از سویی ابن عربی به‌اندازه‌ای بود که رساله دکتراي ایشان در دهه چهل هم به همین موضوع اختصاص پیدا کرده بود، آن‌قدر کلاس‌های او متفاوت بود که آن زمان به‌دنبال مطالعه آن پایان‌نامه هم رفتم، درباره عرفان ابن عربی و با تأکید بر تأثیر آرای ابن عربی بر متون ادبی فارسی بود. اتفاقاً جالب است که به‌تازگی کتاب دیگری در این زمینه منتشر شده است. این نشان می‌دهد او شصت سال قبل به‌دنبال موضوعی رفته که هنوز هم تازگی دارد. نظام دانشگاهی ما به وجود استادانی همچون او که عاشقانه خواندند و تدریس کردند نیاز دارد. یادش گرامی.

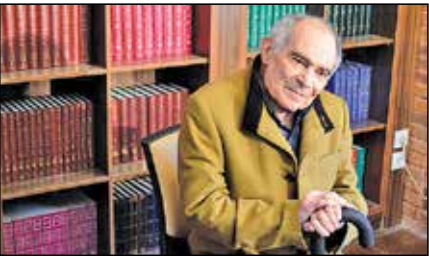
عکس نوشت

اوداردو کاستالدو، هنرمند و عکاس ایتالیایی در واکنش به جنایت‌های رژیم صهیونیستی در فلسطین با نقیدن نقاشی‌های اعتراضی روی دیوارهای نابل درمردم‌غزه همدردی می‌کند. روزاول آوریل یک نقاشی روی یکی از دیوارهای نابل پدیدار شد که کارگران فلسطینی را در صف انتظار یک پاسگاه نظامی رژیم اشغالگر قدس در شهر بیت‌لحم در کرانه باختری نشان می‌داد. این نقاشی دیواری «به بیت‌لحم خوش آمدید» نام گرفت و خیلی زود در نابل و شبکه‌های اجتماعی محبوب شد. اواز ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ در فلسطین کار عکاسی خبری کرده و این نقاشی را بر اساس آنچه در فلسطین دیده و کارگرانی که ساعت‌ها منتظر می‌مانند تا باریک‌کار کردن وارد بیت‌المقدس شوند کشیده است. کاستالدو نقاشی‌های دیگری در حمایت از مردم فلسطین روی دیوارهای نابل کشیده که بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در سوگ محمدرضا باطنی، زبان‌شناس، فرهنگ‌نویس، نویسنده و مترجم

معلمی ممتاز که هرگز از اعتقاد خود تخطی نکرد

زنده یاد محمدرضا باطنی، از دوستان و همکاران قدیمی‌ام بود؛ سال ۱۳۴۸، دو سال پیشتر از من وارد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران شد و همان سال از پایان‌نامه دکترای خود با عنوان «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» بر اساس نظریه مقوله و میزان هلیدی، زبان‌شناس مشهور بریتانیایی دفاع کرد. همان سال هم نتیجه این پایان‌نامه از سوی نشر امیرکبیر منتشر شد. این کتاب ارزشمند در توصیف علمی زبان فارسی معاصر بود که برای سال‌ها مورداستفاده علاقه‌مندان قرار گرفت، ازجمله خود من در سه دوره دستوره‌ای رشته فرهنگ و ادب که قبل از انقلاب چاپ شد از آن استفاده کردم. زنده‌یاد باطنی در دانشسرای عالی قدیم آموزش دبیری دیده بود و بنا بر شناختی که از او دارم اغراق نیست که او را معلمی به تمام‌معنا و درجه‌یک بخوانم. کلاس‌های هفتگی‌اش را به سبکی که در انگلستان فراگرفته بود برپا می‌کرد؛ آنقدر خود را متعهد می‌دانست که افزون بر در نظر گرفتن تکلیف برای دانشجویان، هر هفته پاسخ‌ها را جمع‌آوری کرده و حتی ایراد آنها را گرفته و درباره‌شان صحبت می‌کرد. این را گفتم تا بدانید چقدر عاشق تدریس و دانشجویان بود، آنقدر که فراتر از وظیفه‌اش، فداکارانه تلاش می‌کرد و من هرگز شبیه او را در بین استادان ندیده‌ام. همواره تأکید داشت: «من برای



آموزش ساخته شده‌ام.» جالب است بدانید، هر شب نتیجه تدریس آن روز را در قالب مقاله‌ای می‌نوشت تا بعد آنها را منتشر سازد. به همین ترتیب هم مقاله‌های متعددی درباره مسائل زبان‌شناسی روز نوشت و چاپ کرد که هنوز هم مورد استفاده دانشجویان و فعالان این عرصه قرار دارند. از ویژگی‌های جالب‌توجه نوشته‌های او این بود که مسائل پیچیده زبان‌شناسی را به زبانی ساده و روشن پیش روی مخاطبان می‌گذاشت؛ این در حالی است که نوشتار ساده مسائل علمی به‌نوعی که برای عموم قابل استفاده باشد از عهده هر کسی ساخته نیست. با این حال ابتدای دهه شصت از سوی برخی تازه‌واردها به فضای دانشگاهی مورد بی‌مهری قرار گرفت و به‌ناچار از تدریس کناره گرفت و با حقوق بسیار ناچیزی بازنشسته شد. بعد از این بازنشستگی زودهنگام به سراغ دیگر عرصه‌ها رفت، چندین ترجمه ارزشمند در حوزه زبان‌شناسی و چند حوزه دیگر انجام داد که از او به یادگار مانده‌اند. به کمک دکتر نقی براهنی و یک استاد دیگر واژه‌نامه روان‌شناسی را نوشتند. آشنایی‌اش با مؤسسه انتشارات فرهنگ معاصر زمینه تألیف فرهنگ‌نامه دوزبانه مهمی را فراهم کرد. زنده‌یاد باطنی به کمک عده‌ای از دانشجویان خود این کار را انجام داد که چکیده بخشی از چهل سال پژوهش وی را می‌توان در فرهنگ دوجلدی انگلیسی- فارسی بویا دید. چند ویراست از این فرهنگ‌نامه منتشر شد که ویراست چهارم، آخرین نسخه آن را می‌توان کامل‌ترین دانست. از قلب این فرهنگ، پنج- شش فرهنگ دیگر ازجمله فرهنگ اصطلاحات هم درآمد و منتشر شد. این بی‌شک خدمت بزرگی است که او در حق فرهنگ سرزیم‌نمان انجام داد. فرهنگ بویا زمانی منتشر شد که در زمینه فرهنگ‌نامه‌های دوزبانه فارسی- انگلیسی نیاز به کار تازه‌تری، منطبق بر تغییرات زبانی بود. فارغ از این‌ها، دکتر باطنی برخوردار از شخصیت اجتماعی و اخلاقی استواری بود، اگر جای گفته یا کاری را خلاف حق می‌دید محال بود آن را بپذیرد. متأسفانه بازنشستگی زودهنگام زنده‌یاد باطنی، دانشگاه و دانشگاهیان را از حضور و دانش وی محروم کرد؛ هر چند که بعد از دانشگاه هم بیکار ننشست و از راه دیگری به مردم خود خدمت کرد.



اوداردو کاستالدو، هنرمند و عکاس ایتالیایی در واکنش به جنایت‌های رژیم صهیونیستی در فلسطین با نقیدن نقاشی‌های اعتراضی روی دیوارهای نابل درمردم‌غزه همدردی می‌کند. روزاول آوریل یک نقاشی روی یکی از دیوارهای نابل پدیدار شد که کارگران فلسطینی را در صف انتظار یک پاسگاه نظامی رژیم اشغالگر قدس در شهر بیت‌لحم در کرانه باختری نشان می‌داد. این نقاشی دیواری «به بیت‌لحم خوش آمدید» نام گرفت و خیلی زود در نابل و شبکه‌های اجتماعی محبوب شد. اواز ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ در فلسطین کار عکاسی خبری کرده و این نقاشی را بر اساس آنچه در فلسطین دیده و کارگرانی که ساعت‌ها منتظر می‌مانند تا باریک‌کار کردن وارد بیت‌المقدس شوند کشیده است. کاستالدو نقاشی‌های دیگری در حمایت از مردم فلسطین روی دیوارهای نابل کشیده که بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند.

همراه با «بهار دلنشین» در بهار یه ۱۴۰۰

«تا بهار دلنشین آمده سوی چمن / ای بهار آرزو برسررم سایه فکن / چون نسیم نو بهار برآشایانم کن گذر/ تا که گلباران شود کلبه ویران من...» شاید بارها و بارها تصنیف «بهار دلنشین» یا «بهار آرزو» را شنیده و با خود زمزمه کرده باشید ، یکی از آهنگ ترانه‌های بسیار زیبا در وصف بهار که در بین مردم شهرت پیدا کرد. این اثر را استاد روح‌الله خالقی دهه ۱۳۳۰ دوران آغاز شکوفایی موسیقی ایرانی در رادیو در یکی از امیاه‌های موسیقی ملی ایران دستگاه همایون با اشاره‌هایی به آواز اصفهان از تعلقات این دستگاه ساخت و یکی از شنیدنی‌های خاطرانگیز شد. کلام و شعر این قطعه سروده استاد بیژن ترقی از مفاخر ادبیات ایران و از ترانه سرایان معاصر است که در کار خود کم نظیر و بی‌بدیل و اغلب اشعارش ملهم از طبیعت بوده است. ترانه‌های بهاری و بیان حس لطیف او ویژگی‌های خاص دارد که مورد توجه بسیاری از آهنگسازان و نوازندگان شاخص قرار گرفته و در مجامع رسمی و در محافل خصوصی با او همراهی داشته‌اند و این همان تلفیق درست شعر و موسیقی است که در جان مایه هنر این سرزمین در نوعی متفاوت از ارائه موسیقی ایرانی برایمان ماندگار باقی مانده. نکته دیگر فضای موسیقایی بسیار مغمتم و مهم ملهم از بهاریه‌ای در کنار خلق یک موسیقی از هر نظر زیبا برگرفته از حس و شعور هنرمند استاد ایرانی است. اما ضلع سوم این تصنیف در کنار آهنگسازی روح‌الله خالقی و شعر بیژن ترقی، صدای جادویی غلامحسین بنان هم قرار دارد. استاد بنان از خوانندگان پرسته و بی‌بدیل موسیقی ایران با آنکه وسعت صدایش دو دانگ بود اما با صدای مخملی گرم و نرم آنچنان زیبا این بهار یه را به زیبایی هرچه تمامتر می‌خواند که می‌توان در هر سرزمین، رایحه بهار را بخوبی استشمام کرد و با لحن موسیقایی لطیف، ظریف و زیبای خود گرمی و نرمی باد بهاری را به اذهان متبادر کند و... در چندسال اخیر سالار غفیلی که علاقه وافری به بنان دارد بهار دلنشین را با شکوه باز خوانی می‌کند و مورد اقبال هم قرار می‌گیرد؛ در حقیقت آهنگ، ترانه و تصنیف «بهار دلنشین» سه رأس مثلثی است که به لحاظ شنیداری ترانه، آهنگسازی و خوانندگی به موسیقی ایران جان و جلای دیگر بخشیده و حال و هوای بهار را از جفاتی گوناگون به اذهان هوشیار که شنوندگان حقیقی موسیقی هستند به هوش گوش و گوش هوش موسیقایی عامه مردم القا می‌کند و می‌توان هرساعت از شبانه روز این اثر را شنید و لذت برد و



زندگانی کرد ، چرا که انسان را به نشاط و شادی باطنی درون و بیرون عوت می‌کند و به یک سرمنزل مقصود آیینی می‌رساند و... «بهار دلنشین» از آثار ماندگار گل‌های رنگارنگ شماره ۲۲۴ است که روح‌الله خالقی به زیبایی هر چه تمامتر ارکستر آن را رهبری کرد و غلامحسین بنان هم عالمانه و جانانه حنجره محدود خود را با قابلیت وصف ناپذیر بسط و گسترش داد، همان‌طور که دیگر آثارش را به نهایت ظرافت و زیبایی هنری تا آخر عمر ادا کرد و خواند و می‌توانیم بگوییم این سه ضلع مثلث (خالقی، ترقی و بنان) برگی بر برگ های موسیقی نوین مکتب جدید و ارکسترال و موسیقی آوازی ایران گشود و دلنشینی فصل بهار و رستاخیز طبیعت و فکرو و لباس نوی دلنشین آدمی در بهار آرزوها را این آهنگ ترانه ترکیبی هنرمندانه و جاودانه خلق کرد و... بهار دلنشین جامعیت یک اثر هنری -موسیقایی است در رسیدن به فرهنگسازی مفاهیم عادی‌سازی شده که مردمان روزگار بی‌توجه از آن دور افتاده‌اند و دیگر مفاهیم که فهم و درک آنها ثقیل و دشوار است. به عبارتی با این اثر فاخر به نقطه عطفی فراگیر تبدیل می‌شود که توده مردم شنونده را دربر می‌گیرد که غایت خوانندگی بسیاری از موسیقیدانان به چنین مرتبت و جایگاهی است. بهار دلنشین در کنار سهل و متمتع بودن و روانسازي فهم درست کلمات و واژگان و میزان‌بندی نت‌ها در میزان‌های پارتیتور با حرکت داستان رهبر و سرپرستی مقتدر با چیش دقیق و اصولی سازها و روند ملودیک در کنار سازندگی نزدیک به فضای شنیداری تازه راه یافته به موسیقی ایران از نوع چندصدایی مصادره به مطلوب توانسته عمق وجود شنیداری ای ایجاد کند که مختص سبک فرهنگ خانواده ایرانی بود و هست و خواهد بود و... امروزه از نبود آثاری اینچنین درخشان در فضای شنیداری موسیقی کشورمان در رسانه رسمی رادیو تلویزیون و صحنه‌های اجرا در حسرت هستیم و امیدواریم نسل نو بتواند جا پای این نوع موسیقی‌های ماندگار بگذارد و در آینده شاهد تولید چنین آثار بزرگ و سترگ هنری فرهنگ موسیقی دستگاهی ملی ایران باشیم. بیاییم با این موسیقی بهار، بهار موسیقایی زندگانی را پاس بداریم!